



زبان و ادبیات فارسی

آرایه‌های ادبی : استعاره

سجاد فیاض

استعاره

باقی ماندن یکی از طرفین تشبیه (یا مشبه ، یا مشبه به)

مثال :

* آتش مانند عشق در دلم شعله ور شد.

← آتش در دلم شعله ور شد.

* دهانت را باز کردی دندان‌های مانند مرواریدیت را دیدم.

← دهانت را باز کردی مروارید هایت را دیدم.

خب استا!!!!!!د!!!!!! کنکور به این راحتی نیست که مثل همیشه روش یاد می‌دید.....

می‌دونم. بیا تا بهت یاد بدم و مثل همیشه خیالت راحت کنم.....

روش اول :

اگر بعد از (ای) یا (قبل الف ندا) اسم غیر انسان یا اعضا وجودی بیاد.

* ای سرو ، ای بت ، ای ماه ، بتا ، دلا ، مها و....

دلا خموشی چرا ؟ چو خم نجوشی چرا؟ برون شد از پرده راز ، تو پرده پوشی چرا ؟

ای دیو سپید پای دربند ای گنبد گیتی ای دماوند

تذکر : اگر بعد از (ای) صفات انسان بیاد استعاره نیست. مگر (پدر ، پسر ، مادر)

دلاورا ، ای جنگجو ، ای پهلوان ، ای دشمن و.....

* در مکتب حقایق پیش ادیب عشق هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

* ای مادر سرسپید بشنو این پند سیاه بخت فرزند

تذکر : شبه جملات استعاره نیستند. (ای وای ، دریغا ، افسوسا ، ای داد بی داد ، واحسرتا و.....)

تذکر : گاهی اوقات (ای) و (الف ندا) حذف می شوند.

* نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی پیش نطق شکرینت چو نی انگشت بخاید

روش دوم :

فعل یا عمل هر گروه به گروه خودش نسبت داده نشه.

ابر خندان ، دنیا رهن ، آسمان تعطیل است ، من مهر و محبت می کارم ، بادها بی کارند ، آسمان گریان ، آسمان گریه کرد ، مخت تعطیل است ، آسمان عرعر کرد ، ابرها غرش کردند و.....

چطوری بفهمیم استاد؟

کاری نداره برو ببین کی داره چکار می کنه. اگه مال خودش بود که هیچی، اگه غیر منطقی بود استعاره داریم.

روش سوم :

اضافه استعاری

* دو کلمه به وسیله کسر به هم وصل شوند ، که کلمه اول برای انسان (شخصیتی ، حیثیتی ، رفتاری ، اعضا وجودی و....) باشد.
یا هر دو برای انسان باشد.

رخ دل	آبرو آسمان
قلب آیینه	مست مهر
دست تقدیر	گوش دل
دامن صحرا	حیثیت زمانه
پای طلب	حیثیت مرگ

تذکر مهم : این ترکیب ها را هر جا دیدیم اضافه تشبیه هستند. (لب لعل ، قد سرو ، رخ ماه ، رخ ماه ، چشم نرگس ، زلف سنبل ، کلاه شکوفه ، مشق قلب)

حاشیه : سر : لب :

* تکه از یک حیوان یا خانه یا قصر یا اشیاء بدهند ولی کلمه بعدی برای خود خانه و حیوان قصر و اشیاء نباشد.

در اندیشه	در خانه
کنگره عرش	کنگره قصر
پوزه تقدیر	پوزه گرگ
عنان روزگار	عنان اسب
درب آسمان	درب کلاس

بیا!!!!!! فقط حواست باشه!!!! اگه اضافه تو تعلقی و اقترانی نبود به اضافه استعار فکر کن.

روش چارم :

یک کلمه براساس کلمات قبل یا بعد معنا واقعی خودش را ندهد.

دهانت را باز کردی مروارید های مسواک خوردهات را دیدم.

* حیوانات و پرندگان اگر معنا واقعی خودشان را ندهند.

شیر در جنگل غرش کرد.

این عوعو سگان شما نیز بگذرد

در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت

* گل و گیاه اگر معنا واقعی خود را ندهند.

بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد

بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد

همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند

سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند

* مکان ها اگر معنا واقعی خود را ندهند.

دلا تا کی در این زندان فریب این و آنبینی یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی

* کلمات پرتکرار استعاره خیز

تذکر : این ها زمانی استعاره اند که معنا خودشان را ندهند.

مشک	دُر	پسته (لب)	نرگس (چشم ، دیده)	بت
آتش	مروارید	بادام (چشم)	سرو (قد ، بالا)	اصنام
کافور	گوهر ، گهر	فندق (لب)	لعل (لب)	چرخ
غنچه	لوله	قند (سخن)	سنبل (زلف ، مو ، طره)	
	یاقوت	شکر (لب ، دهان ، خنده)	مه (رخ ، روی ، چهره)	
			صال	

شکر خنده

عین / عالم

۹۶

اگر بین اضافه تشبیهی و اضافه استعاری گیر کردیم برای مطمئن شدن کافیه کلمه دوم را به اولی شباهت کنیم؛ اگر معنا داد و واسطه‌ای بینشان نیامد اضافه ما تشبیهی است.

انواع استعاره

مکنیه (بالکنایه ، پنهان) : باقی ماندن (مشبه)

روش دوم و سوم یعنی (اضافه استعاری و فعل و عمل هر گروه به گروه خودش نسبت داده نشود) استعاره مکنیه است :

* بشنو این نی چون شکایت می کند از جدایی ها حکایت می کند

* چون گشت زمین را جور گردون سرد و سیاه و خموش و آوند

* تو قلب فربه زمینی از درد، ورم نموده یک چند

مکنیه
استعاره استعاری
صفت قلب زمینی

استعاره مصرحه (آشکار) باقی ماندن (مشبه به)

روش چهارم : یک کلمه براساس کلمات قبل یا بعد معنا واقعی خود را ندهد.

* بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد

روش اول : مشترک است بین استعاره مکنیه و استعاره مصرح

اگر بعد از ای معنا عوض شود استعاره ما (مصرحه) است ؛ اما اگر معنا عوض نشود استعاره ما (مکنیه) است.

* ای گل سپاس گزارم که باغچه را زیبا کردی.

* ای گل سپاس گزارم که در تمام عمر کنارم بودی.

* باز امشب ای ستاره تابان نیامدی باز ای سپیده شب هجران نیامدی

منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟

* ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟

کای چشم نور من به جز از کشته ندروی

* دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر

بیشتر اوقات بعد از (ای) مکانی / اشیاء / اعضا وجودی (به جز کلمه جان و جانان) ، باد ها بیایند؛ معنا عوض نمی شود.

۹۹ خوش
می شود

سوالات تشریحی طلایی

۱- استعاره ها را در مثال های زیر بیابید و نوع آن ها را مشخص کنید.

* ز دانش گوهر پاکم برافروز برافروز

چراغ چشم ادراکم برافروز

* نیست به جز عشق در این پرده کس

اول و آخر همه عشق است و بس

* ای ساریان آهسته ران، کارام جانم می رود

وان دل که با خود داشتم با دل ستانم می رود

* محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان

کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می رود

* ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی

از این باد ارمدد خواهی چراغ دل برافروزی

* یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا

یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا

* بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

تو از آسمان بیایی

دینا سالت

پرده

همه

باد

فد

سقف فلک

سقف فلک

* باران اشکم می دود وز ابرم آتش می جهد

* من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست

* بهاران که شاباش ریزد سپهر

* صد هزاران نام و دانه است ای خدا

* زندگی آتشگهی دیرنده پابرجاست گر بیفروزش، رقص شعله اش در هر کران پیداست.

* اگر چو مرغ بنالم تو همچو سرو ببالی

* اگر ای عشق پایان تو دور است

* خانه دل ما را از کرم عمارت کن

* هرگز کسی نداد بدین سان نشان برف

با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را

کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم

به دامان گلشن زرگبار ها

ما چو مرغان حریص بی نوا

و اگر چو ابر بگیریم تو همچو غنچه بخندی

دلم غرق تمنای عبور است

پیش از آنکه این خانه رو نهد به ویرانی

گویی که لقمه ای است زمین در دهان برف

مکینه

مکینه

دل سے صبر

۲- در ابیات نوع استعاره را مشخص کنید و مفهوم استعاره های مصرحه را بنویسید.

- * مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم خنده شدم
- * شکر کن چرخ فلک از مَلک و مُلک و مَلک
- * از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار
- * غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل
- * روزگار است این که گه عزّت دهد گه خوار دارد
- * چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را
- * سحرگه بلبلی آواز می کرد
- * سر برگ گل ندارم ز چه رو روم به گلشن
- * دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
- * کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم
- * صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
- * شاید که چو وابینی، خیر تو در این باشد
- * چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد
- * که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی گیرد
- * همی نالید و با گل راز می کرد
- * که شنیده ام ز گل ها همه بوی بی وفایی

- * از من غمزه دل می طلبد غمزه دوست
دوستان دلبر ما نرگس گویا دارد
- * درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیرآوری چرخ نیلوفری را
- * چرا چون لاله خونین دل نباشم
که با ما نرگس او سر گران کرد
- * دست فلک وقتی ز کارم گره گشاید
کز یکدیگر گشایی زلف گره گشا را
- * سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم
وز این درخت همین میوه غم است برم
- * شمع را باید از این خانه به در بردن و کشتن
تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی
- * فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات را در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.
- * بخیه کفشم اگر دندان نما شد عیب نیست
خنده می آرد همی بر هرزه گردی های من
- * لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید
مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

۳- استعاره‌های مصرحه را پیدا کنید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

- * دائم گل این بستان شاداب نمی ماند
- * لاله و گل زخمی خمیازه‌اند
- * می‌رود صبح و اشارت می‌کند
- * غرقه وهمیم؛ ورنه این محیط
- * ای شرر از هم‌رهان غافل مباش
- * سوزد مرا سازد مرا در آتش اندازد مرا
- * با کاروان حله برفتم ز سیستان
- * پشت چو آینه بر دیوار حیرت داده‌ایم
- * حلقه چشم غزالان حلقه زنجیر ماست
- * دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
- * عیش این گلشن خماری بیش نیست
- * کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست
- * از تنگ آبی کناری بیش نیست
- * فرصت ما نیز باری بیش نیست
- * وز من رها سازد مرا بیگانه از خویشم کند
- * با حله تنیده ز دل بافته ز جان
- * واله خار و گل این باغ و بستانیم ما
- * دائم از راه نظر در بند و زندانیم

۴- استعاره‌های مکنیه را در بیت زیر مشخص کنید.

- * از شیخون خمار صبحدم آسوده ایم مستی دنباله‌دار چشم خوبانیم ما
- * خرقة از ما می‌ستاند نافه مشکین نفس از هواداران آن زلف پریشانیم ما
- * جان به لب داریم و همچون صبح خندانیم ما دست و تیغ عشق را ز زخم نمایانیم ما
- * ای نفس خرم باد صبا از بر یار آمده‌ای مرحبا
- * غمش در نهان خانه دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند
- * گر جان عاشق دم زند آتش در این عالم زند وین عالم بی اصل را چون ذره‌ها برهم زند
- * بخندد همی باغ چون روی دلبر ببوید همی خاک چون مشک اذفر
- * اختیارم نیست چون گرداب در سرگستگی نبض موجم در تپیدن بی‌قرار افتاده‌ام

- * عقده‌ای هرگز نکردم باز از کار کسی
- * همچو گوهر گر دلم از سنگ گردد دور نیست
- * به یک کرشمه که در کار آسمان کردی
- * ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی
- * هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان
- * تا دل هرزه گرد من رفت به چین زلف او
- * الفبای درد از لبم می‌تراود
- * چو دل بر نهی بر سرای کهن
- * باغ سلام می‌کند؛ سرو قیام می‌کند
- در چمن بیکار چون دست چنار افتاده ام
- دور از مژگان ابر نوبهار افتاده‌ام
- هنوز می‌پرد از شوق چشم کوبک‌ها
- پیوند روح کردی، پیغام دوست دادی
- ایوان مداین راه، آئینه عبرت دان
- زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند
- نه شب‌نم که خون از شبنم می‌تراود
- کند ناز وز تو بپوشد سخن
- سبزه پیاده می‌رود؛ غنچه سوار می‌رسد

۵- استعاره‌های زیر را مشخص کنید و تعیین کنید که کدام یک از ارکان تشبیه باقی مانده است.

- * سلسله موی دوست حلقه دام بلاست
- * ای گل که موج خنده‌ات از سر گذشته است
- * درودی چو نور دل پارسایان
- * آئینه سکندر جام می است بنگر
- * به خون خود آغشته و رفته اند
- * دامن هر گل مگیر و گرد هر بلبل مگرد
- * چنین است رسم سرای درشت
- * قمری ریخته به بالم به پناه که روم؟
- * هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست
- * آماده باش گریه تلخ گلاب را
- * بدان شمع خلوتگه پارسایی
- * تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
- * چه گل‌های رنگین به جوبارها
- * طالب حسن غریب و معنی بیگانه باش
- * گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت
- * تا به کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟

* چرخ ارچه رفیع خاک پایت

طفل ارچه بزرگ طفل راحت

* غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل

شاید که چو وابینی خیر تو در این باشد

* نمی دانم بگو عشق تو از جانم چه می خواهد

چه می خواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی دانم

* ای گل بستان سرا از پس پرده‌ها درآ

بوی تو می کشد مرا وقت سحر به بوستان

* موی سفید را فلکم رایگان نداد

این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام

* ز چشم شوخ تو جان کی توان برد

که دائم با کمان اندر کمین است

۶- استعاره های ابیات زیر را بیابید و آن‌ها را به تشبیه کامل تبدیل کنید و مفهوم استعاره های مصرحه را مشخص کنید.

* داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو

کز باغ جهان لاله عذاران همه رفتند

* بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایبان دارد

بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد

- * عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود
- * با آسمان مفاخره کردیم تا سحر او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم
- * الهی، عقل گوید : الحذر، الحذر؛ عشق گوید : العجل، العجل.
- * دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی
- ۷- کدام یک از استعاره های زیر از نوعی تشخیص هستند؟ (دو مورد)
- * بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایبان دارد بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد
- * هر نفس آواز عشق می رسد از چپ و راست ما به فلک می رویم عزم تماشا که راست
- * این نغمه محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران
- * داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو کز باغ جهان لاله عذاران همه رفتند

۸- استعاره های مکنیه زیر را بیابید و آن‌ها را به تشبیه کامل تبدیل کنید.

- * هر چند صائب می‌روم سامان نومیدی کنم زلفش به دستم می‌دهد سررشته آمال‌ها
 - * با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه، از بی کسی شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال‌ها
 - * دل گرفتار بلای عشق توست جان شهید کربلای عشق توست
 - * نامت در چشمانم چون لاله، سرخ؛ چون نسترن، سپید و مثل سرو سبز می‌ایستد.
 - * پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما آیینه کی برهم خورد از زشتی تمثال‌ها
- ۹- ابیات زیر را از نظر استعاره مصرحه و مکنیه کامل بررسی کنید.

- * هر شب کواکب کم کنند از روزی ما پاره‌ای هر روز گردد تنگ تر سوراخ این غربال‌ها
- * داغ است دل لاله نیلی است بر سرو کز باغ جهان لاله عذاران همه رفتند
- * چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست

سرخ یا سفید
 قاصد / منا

۱۰- در جمله زیر چند استعاره مکنیه (پنهان) وجود دارد؟

* تو قامت باغ، تمنایی ای درخت؛ همواره خفته است در آغوش آسمان؛ بالایی ای درخت.

۱۱- در کدام گزینه همه ترکیب‌ها «اضافه‌ی استعاری» است؟

۱) عتاب معلم، مرغان بیشه، صفحه‌ی ضمیر، امید دیدار

۲) سرخویش، لطافت طبع، زبان تدریس، فرقت یار

۳) آفتاب وفا، همه‌می شاگردان، بانگِ طرب، خار غم

۴) شتاب مرگ، طرّه‌ی پرچین عشق، قفای مراقبت، گریبان مکاشفت

۱۲- در کدام گزینه، همه ترکیب‌ها «اضافه‌ی استعاری» است؟

۱) موج خون، زُخ ساقی، ماه مراد، نسیم گلزار

۲) دیبای جمال، شمع صبحگاهی، لعلِ نمک، رشته‌ی جان

۳) مهمان خرابات، شب صحبت، گلشن جان، عزم می‌کده

۴) جعد سنبل، خنده‌ی می، نشاط کلاه، بالین خورشید

۱۳- در کدام گزینه، همه ترکیب‌ها «اضافه استعاری» اند؟

(۱) لب استنخر - گل همیشه‌بهار - سایش بال - عطر الهمام

(۲) دست مهربان مرگ - درخت عزیز - گل خیال - غرفه بلند آسمان

(۳) سینه کویر - آغوش خوش‌بختی - سقف شب - دست طبیعت

(۴) پرند خیال - چشمه سواج نوازش - سایه پرواز - زبان گویای خدا

۱۴- در استعاره‌های به‌کار رفته در همه ابیات به‌جز بیت مشبّه‌به محذوف، «انسان» است.

برگی نچیده بلبل شیدا خزان رسید

راحت طمع از دوبت بیدار مدارید

آری ز در و بام تو می‌بارد عشق

در لباس معنی بیگانه می‌آید برون

(۱) گل در تبسم است که از گلبن مراد

(۲) با تاج زر از گریه نیاسود دمی شمع

(۳) عاشق گردد هر که به کویت گذرد

(۴) از زبان خامه من لفظهای آشنا